

## غم بی حیا و ناله های من



غمی برغم ها افزون گردید وحشتی بر جاده ای دارلامان کابل برپا شد. جسم های ضعیف را که زنده بودند با چهره های بران آهن پاره ها، توته های برنده شیشه ها، قطع، سوراخ و شق کردند و در آتش بطرول موترها، سوختند.

تاریک اندیشان عقده مند برروشنایی خنجر کشیدند و چادرسیاه غمی از دست دادن و جدایی را برپام خانه های حسین، مریم، جواد، مهری، زینب، حسین و علی، پهن کردند.

ملتی که هرگز بر استان شب پرستان سرخم نه کرده اند. گردنشان زیر ساطور قصابان قلدر داخلی و بیرونی سالهاست که قطع می گردد. حا کمین و دولت مداران بیگانه ای غارت گری متجاوز و نوکران دست بوس و کاسه لیس شان، فرزندان اصیل ملت بیگانه ستیز افغانستان، این پیامبران روشنایی را بیش از پنج قرن است که حلق آویز کردند، درسیاه چال ها قید و زنجیرو زولانه نمودند به دهن توپ بستند، در پولیگونه ها سینه هایشان را به جوقه آتش مسلسل شگافتند و زنده به گور کردند، زندان ها را از ایشان پرسیاختند. و هنوز هم، در جاده های شهرها با انتحار و انفجار، جان های بیشماری دیگری را قربانی می گیرند.

سیاه دلان شب پرست، برای بخشایش گناه برادران دینی شان از خدا و لذت بردن از شراب، حور و حرمان بهشت، واسکت انتحاری می پوشند و موتر و موتر سیکلنت انتحاری را هدایت میکنند. با مدیریت دستگاه های استخباراتی بیگانه ها و جیب خرچی دالر، روبل، دینار، ریال و ایلرو، تیتر سیار روی جاده ها را حتی در نیمه های شب نیز به نمایش میگذارند.

خفاشان و جغد های آشیانه کرده در لانه ای عقابان سرکش خسته بال، با اعمال شوم شان نمی توانند صدای ملتی را که زیر سم فیلان طمع جو، هنوز هم نفس می کشند، خفه سازند.

با ایجاد وحشت و دهشت، شاید دلهره ای در دل عده ای جاه باز کنند و انها را از مسیر راه جدال روشنایی با ظلمت، باز دارد. اما، راه طولانی است و مسیر اش پراز خار و خون و آتش میباشد.

فقط ، اتحاد ، استقامت و پایداری روشنگران در یک تشکل با انضباط عاری از خماران معجون تاریک فکر است که میتواند دیوارهای قصر کهن تاریک اندیشان را ویران سازد. و دروازه امید را برخ طلوع خورشید ، باز کند و پایان شب سیاه و نا بودی خشونت، وحشت و دهشت را درافغانستان نوید دهد.

محمد طاهر

۲۵ جنوری ۲۰۱۶

امریکا